

## رویدادی ضمنی در روابط ایران و انگلیس: نبرد برازجان (۱۲۷۳ق./۱۸۵۷م.)

غلامرضا مهدی راونجی<sup>۱</sup>

### چکیده

هنگامی که در بهار ۱۲۷۲ق./ ۱۸۵۶م. قوای ایران هرات را تصرف کردند، انگلیس این موضوع را نقض معاهده ۲۵ ژانویه ۱۸۵۳م. شناخت و این واقعه، عزم آن دولت را که به افغانستان و به طور خاص به هرات همچون باروی هند می‌نگریست، جزم کرد تا به ایران حمله کند. از همین رو، قوای نظامی انگلیس در دسامبر ۱۸۵۶م. مناطق جنوبی ایران از جمله منطقه برازجان را اشغال کردند. تنها گزارش شناخته شده ایرانی به جا مانده از نبرد قشون انگلیس و ایران در برازجان نسخه‌ای از مؤلف ناشناس است که بخشی از حقایق این نبرد را از زاویه دیدیک ایرانی بیان کرده است. مقاله حاضر ضمن معرفی و انتشار این سند، به بررسی و نقد و مقایسه مطالب آن بر اساس منابع تاریخی و گزارش‌های باقی‌مانده از این واقعه می‌پردازد. چنین به نظر می‌رسد که شکست برازجان و انهدام ادوات جنگی ایران در این منطقه، سرعت پیشروی قشون انگلیس در ایران به سوی محمره (خرمشهر) را افزایش داد و بر امضای معاهده ۸ رجب ۱۲۷۳ق./ ۴ مارس ۱۸۵۷م. معروف به صلح پاریس تأثیر بسزا نهاد.

### • واژگان کلیدی

ایران، انگلیس، روابط سیاسی، نبرد برازجان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۲۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱/۱۷  
۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان Mahdiravanji@yahoo.com

## مقدمه

بدون تردید، اسناد در یک پژوهش تاریخی از مهم‌ترین منابع به شمار می‌آیند، گستره این گونه منابع از مکاتبات دیوانی یا سلطانیات در قرون گذشته تا معاهدات سیاسی و فرمان‌ها را شامل می‌شود که در هجوم و تغییر و تبدیل نظام‌های سیاسی مختلف به فراخور قبض و بسط مرزها، یاجابه جا شده و یا از بین رفته‌اند و بخشی نیز در قالب متون در آرشیوهای دولتی و مجموعه‌های خصوصی باقی مانده‌اند.

تقلیل جایگاه اسناد به منابعی ویژه تحقیقات در حوزه عمل سیاسی یا روابط خارجی غیر منصفانه بوده و نباید فراموش کرد که استفاده ارزشمند و علمی از آنها گستره‌ای از مسائل مغفول تاریخ در حوزه‌های تاریخ و سیاست را آشکار می‌سازد. وجود اسناد، گزارش‌ها و سایر مکتوبات از دوران‌های مختلف به ویژه حکومت دیرپای قاجار می‌تواند راهگشای پژوهشگر تاریخ در بازشناسی هویت، فرهنگ و روابط حکومت‌های ایرانی با سایر کشورها بوده و مورخ را با جنبه‌هایی از حقیقت و واقعیت آشنا سازد در نوشتار حاضر، گزارشی از مؤلف ناشناس با عنوان "نمایش دعوای برازجان واقعه فی مابین قشون ظفرنمون دولت علیّه ایران با دولت انگلیس" از نبرد قوای مهاجم انگلیسی به منطقه برازجان در جنوب ایران تصحیح شده و با گزارش‌های همانندی که توسط ناظران خارجی به رشته تحریر در آمده، مقایسه شده است. نویسنده گزارش سوای از نگاه وطن پرستانه و شاید هوادارانه از قشون ایران، به ناچار ضمن پذیرش شکست این قشون در نبرد به تحلیل و چرایی دلایل شکست و توجیه استراتژی قشون دولت ایران می‌پردازد.

"نسخه برازجان" نسخه‌ای خطی با شماره ۱۲۹۸۲ در ۸ برگ، در گنجینه آثار خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی نگهداری می‌شود. مؤلف این گزارش ناشناس است و نسخه دیگری از آن، تاکنون شناسایی نشده است و در تصحیح و انتشار این سند، رسم الخط امروزی تا حد ممکن رعایت شده است.

### شرح واقعه برازجان

سالیسبوری در سال ۱۲۹۶ق. / ۱۸۷۹م. کمتر از دو دهه پس از واقعه برازجان پرده از سیاست انگلیس در آسیای مرکزی برداشته است: «...در بیست سال گذشته سیاست‌های ما در آسیای مرکزی مانند بازی شطرنجی بود که مجبور بودیم ایران یا افغانستان را قربانی کنیم...» (آوری، ۱۳۸۴: ۴۲۸).

سیاست انگلیس در قبال ایران را در سراسر سده نوزدهم می‌توان متأثر از عوامل جغرافیایی و در موارد ذیل ارزیابی کرد:

نخست آنکه، سیاست انگلیس در قبال ایران متأثر از منافع آن کشور در هند بود؛ عامل دوم را می‌توان از جمع میان نظر سالیسبوری سیاستمدار بریتانیایی و جغرافیای مسلط ایران میان منافع روس و انگلیس به دست آورد که نقطه کانونی آن هرات به مثابه باروی هند بود.<sup>۱</sup>

---

۱. جدایی هرات از ایران، ریشه در نزاع‌های قبیلی ایران و انگلیس داشت که جنگ ایران و انگلیس در دوره محمدشاه نمونه بارز آن است. جنگ هرات از مسائل حائز اهمیت دوران سلطنت چهارده ساله محمد شاه قاجار (حک: ۱۲۵۰ق. تا ۱۲۶۴ق.) بود. در سال ۱۲۴۸ق. عباس میرزا در صدد فتح هرات بر آمد، اما مک نیل سفیر انگلیس مانع شد. در ۱۲۴۹ق. عباس میرزا بر تصمیم خود پای فشرد و محمد میرزا پسر ارشد خود را مأمور فتح هرات کرد، اما این بار،

به نوشته سفیر انگلیس، مک نیل: «...مسأله هرات برای بار اول منافع ایران و انگلیس را در تضاد با یکدیگر قرارداد و منافع ایران و روسیه مشترک جلوه کرد...» (اتحادیه، ۱۳۸۰: ۶۷). برای انگلیس حفظ هند چنان ارزشمند بود که سیاستی چندگانه رادرقبال ایران در پیش گرفت؛ سیاستی که به بی‌توجهی خواست مردم بریتانیا نیز می‌ارزید. سر مقاله‌ای در روزنامه تایمز چاپ شد با این عنوان که: «نه می‌دانیم نه علاقه داریم بدانیم که هرات کجاست». گویا این مقاله نظریات بسیاری از مردم انگلستان را منعکس می‌کرد (آوری، ۱۳۸۴: ۳۹۷). انگلیس سلطه روس بر شمال ایران را پذیرفته بود و چون احتمال می‌داد که ایران تحت حمایت روس‌ها، روزی دروازه ورود به هند، یعنی هرات رادراختیار گیرد، می‌کوشید قدرت ایران را محدود کند. در بهار ۱۲۷۲ ق. / ۱۸۵۶ م. ناصرالدین شاه قاجار دستور حمله به هرات را که اینک آرام آرام از حوزه نفوذ ایران خارج می‌شد، صادر کرد (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۳۷: ۱۳۰۴). در هرات، بزرگان شهر علیه صید محمد خان شورش کرده بودند و باقتل او، محمد یوسف خان امیر جدید بر تخت نشست (شیبانی، ۱۳۶۶: ۱۱۱). وضعیت متزلزل محمد یوسف خان در مقابل قوای دوست محمد خان - همپیمان دولت انگلیس - او را بر آن داشت تا از شاه قاجار

---

خبر مرگ عباس میرزا به محاصره این شهر پایان داد و محمد میرزا ناچار با کامران میرزا حاکم هرات از در صلح درآمد و مقرر شد کامران میرزا هر ساله خراجی به دولت ایران بپردازد و دست نشاندۀ دولت ایران باشد. نقض عهد حاکم هرات و حتی تعرض او به سیستان، دستاویز پادشاه جدید قاجاری شد تا راه سلف خویش را ادامه دهد. او در ۱۹ ربیع الثانی ۱۲۵۳ ق. قصد تسخیر هرات کرد، اما با کارشکنی انگلیسی‌ها، محمدشاه و سپاهیانش دو ماه پشت حصار هرات ماندند و کاری از پیش نبردند. علی‌رغم وعده انگلیسی‌ها در باب عدم مداخله در مسائل مربوط به ایران و افغانستان، آنها جزیره خارک را اشغال کردند و به بندر بوشهر نزدیک شدند. از این رو محمد شاه ناچار شد و دست از محاصره هرات برداشت و در ۱۲۵۴ ق. به تهران بازگشت و پس از آن، ترجیح داد مابقی عمر را با انگلیس به صورت مسالمت‌آمیز طی کند. (برای اطلاع بیشتر نک: اتحادیه، ۱۳۸۰، صص ۸۸-۸۳)

یاری بطلبید (مهدوی، ۱۳۶۴: ۲۷۳ / دهقان نژاد، ۱۳۷۸: ۸۳ / شیبانی، ۱۳۶۶: ۱۱۲) و ناصرالدین شاه پذیرفت. قوای ایرانی به سرداری حسام السلطنه حاکم خراسان باستقبال مردم هرات وارد شهر شدند و اندکی بعد غرور ناشی از فتح بدون مقاومت شهر مایه آزار مردم شد. از سوی دیگر، امیر جدید هرات که تاپیش از این خود را مطیع ایران می‌دانست، طریقی دیگر در پیش گرفت؛ پرچم انگلیس را در هرات به اهتزاز در آورد و سپاه ایران را از شهر راند.

امیر بخت برگشته گر چه دوباره نسبت به قشون ایران تغییر روش داد، اما سودی نداشت و سرانجام با همراهی بزرگان، هرات به سپاه ایران که در کار محاصره شهر بود تحویل شد. (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۳۷: ۱۳۱۰ / شیبانی، ۱۳۶۶: ۱۱۷). پس از او، مقاومت امیر عیسی خان نیز چندی نپایید و او نیز شهر را به ایرانیان واگذاشت: «... روز سه شنبه بیست و پنجم شهر صفر ۱۲۷۳ق. / ۲۵ سپتامبر ۱۸۵۶م. هرات گشوده شد» (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۳۷: ۱۳۳۸). از این پس، انگلیس تأمل را جایز ندانست و پایه کارزاری نهاد که روند جدایی هرات از حوزه ایران را سرعت بخشید؛ انگیزه هر دودولت از جنگ قابل ملاحظه است:

نخست اینکه، ایران انگیزه حمله به هرات را «تخلف انگلستان از موافقتنامه ۱۲۶۹ق. / ۱۸۵۲م. دودولت مبنی بر عدم مداخله دولت‌ها در امورات هرات ذکر می‌کرد» (محمود، [بی‌تا]: ۱۶۲) و اینکه «قصد ندارد هرات را نگه دارد و فقط می‌خواهد استقلال آن را تضمین کند...» (اتحادیه، ۱۳۸۰: ۱۳۴ / لسان‌الملک سپهر، ۱۳۳۷: ۱۳۰۴).

دوم، انگلستان نیز نقض مفاد معاهده ژانویه ۱۸۵۳م. رادستاویر قرار داد و مدعی شد که ایران بر خلاف تعهدات خود هرات را تصرف کرده است (محمود، [ابی تا: ۱۲۸۴ / صفایی: [ابی تا: ۸۱-۷۱). اگر چه تثبیت موقعیت هرات برای دولت ایران بسیار اهمیت داشت، اما در قیاس با موقعیت هرات در سیاست انگلیس، ناچیز به نظر می‌رسید. سرانجام با اعلامیه نوامبر ۱۸۵۶م. انگلیس در کلکته (مهدوی، ۱۳۶۴: ۲۷۴)، جنگ آغاز شد.

سرپرسی سایکس ضمن اشاره به اهمیت هرات، از بی‌میلی سیاستمداران انگلیسی در رویارویی نظامی با ایران در حل مسئله هرات سخن به میان آورده است. مقامات نظامی بریتانیا برای حل مسئله هرات از میان راه‌های حمله مستقیم از هند به هرات و حرکت از هند به بندرعباس و سپس رسیدن به هرات از راه ایران را بررسی کردند (سایکس: ۲۵۸/۲). سرانجام راه حل دوم که دشوارتر بود، پذیرفته شد و جنگ برازجان حاصل اجرای آن است. از این نبرد، دو گزارش از دیدگاه دو طرف در دست است: گزارشی ایرانی که نویسنده آن ناشناس است و نیست و گزارش مورخان و ناظران انگلیسی.<sup>۲</sup>

۱. مطابق این قرارنامه، که در ۱۵ ربیع الثانی ۱۲۶۹ / ۲۵ ژانویه ۱۸۵۳ به امضای جستون شیل نماینده دولت انگلیس و ناصرالدین شاه به اصرار میرزا آقاخان نوری رسید، «دولت ایران متعهد شد فقط در صورتی که نیروهایی از قندهار و کابل و یا نقاط دیگر به هرات تجاوز کنند، قشونی برای دفاع از آن شهر بفرستد و پس از دفع دشمن و ختم غائله نیروهای اعزامی مراجعت کند و در مقابل دولت انگلیس هم متعهد می‌شد که در امورات داخله هرات به هیچ وجه دخالت ننماید و در صورت مداخله دولت انگلیس در امور هرات این سند باطل خواهد شد...» (طباطبایی مجد، ۱۳۷۳: ۲۱۱ و ۲۱۰)

۲. گزارش لیوتنان بالارد در ۱۸۶۱م. چند سالی پس از جنگ ایران و انگلیس به همت آرچیبالد بالارد در نشریه جنگل سیاه منتشر شد. بالارد به عنوان عضو تدارکات ارتش انگلیس در این جنگ شرکت داشت و جزئیاتی از مراحل ابتدائی شامل: تهیه تدارکات اولیه، فتح بوشهر و نبرد برازجان به دست می‌دهد. در گزارش او، مطلبی به نقل از یکی از روزنامه‌های ایران به عنوان شرح گزارش با هدف قیاس میان حقیقت ماجرا و نحوه گزارش ایرانیان

قوای انگلیسی با تدارک جنگی تمام عیار از بمبئی راه ایران رادپیش گرفتند. براساس گزارش بالارد «تدارک اولیه شده بود، چنانچه تمام ریزکاری‌های ضروری برای کارایی یک لشکر در عرصه کارزار پیش‌بینی و مهیا شده بود...» (بالارد، ۱۳۶۶: ۲۹۷)

نوگان دریایی انگلیس شامل ۷ کشتی بزرگ بود و چندین کشتی بخار و بادبانی و ۵۶۷۰ سرباز اروپایی و هندی به انضمام ۱۱۵ رأس اسب و ۴۳ رأس گاو و تجهیزات و تدارکات مورد نیاز به فرماندهی ژنرال استاکر (بالارد: همان / عاصیان: ۱۳۸۹).

قشون انگلیس در ۱۴ دسامبر ۱۸۵۶ پس از تصرف خارک و توقف چند روز هتا رسیدن بقیه کشتی‌ها در سواحل ایران پیاده شدند. فرمان آتش را ژنرال اوترام در حمله به قوای ایرانی به فرماندهی مهر علی خان شجاع‌الملک با شمار ۷ هزار تن سپاهی صادر کرد. تا این زمان، برتری نظامی دریایی با انگلیس بود و بر طبق گزارش بالارد، پیاده شدن و حرکت در ساحل بوشهر برای قوای انگلیس به راحتی صورت گرفته است.

از مجموع گزارش‌ها پیداست که بی‌میلی قوای ایرانی در دفاع یا عدم انضباط، راه ورود را برای قوای انگلیسی باز کرد و اگر اندک مقاومتی نیز رخ داد، از سوی عشایر یا نیروهای محلی بود که حاصل چندانی هم نداشت. پیشروی انگلیسی‌ها به داخل ایران را می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد:

---

به دربار آمده است. بالارد در گزارش خود، نخست به اهمیت استراتژیک شهر هرات در دامنه منافع انگلیس اشاره کرده، سپس از آماده‌سازی و حضور نیروهای انگلیسی در آب‌های مناطق جنوبی ایران، شمار نفرات، تجهیزات و آرایش جنگی سخن به میان آورده است. وی نبرد ایران و انگلیس را زنجیره‌ای از اقدامات شامل حرکت از بمبئی به سوی جنوب ایران تا جنگ محمّره محسوب کرده و واقعه جنگ برازجان را نیز همچون حلقه‌ای از این زنجیره شرح و بسط می‌دهد. (بالارد، جنگ ایران و انگلیس: ۲۸۸).

مرحله نخست، آماده‌سازی قشون و حرکت از بمبئی تا پیاده شدن در ساحل ایران و مرحله دوم، حرکت به سوی خاک ایران تاشیراز و محمّره (خرمشهر کنونی) و سرانجام نقاط مرکزی بود.

مرحله اول به خوبی پیش رفت و مرحله دوم نیز تا تسخیر بوشهر رسیده بود، اما مشکل استاکر و اوترام، فرماندهان قشون انگلیس، عبور از برازجان و روستاهای اطراف به عنوان انبار آذوقه و مهمات قشون ایران بود.

گزارش‌های بالارد حاکی از اهمیت منطقه برازجان و نقش تعیین‌کننده آن است: «... دولت همچنین مقداری آرد و مهمات در روستاهای برازجان و چاهکوتاه ذخیره کرده بود... اما از آنجائیکه مهمات بایست آن‌ها را تماماً بیش از سیصد مایل از طرق صعب العبور بار قاطر کرده بیاورند از ارزش قابل توجهی برخوردار بودند...» (بالارد: ۱۳۶۶: ۳۰۷)

شجاع‌الملک در شیراز، رؤسای عشایر و خوانین محلی را برای ساماندهی گرد آورده بود. بنابراین، قوای انگلیسی به راحتی به برازجان و منابع آذوقه و تسلیحات آن دست یافتند. انگلیسی‌ها زاغه‌های مهمات را منفجر کردند و سپس عازم بوشهر شدند. شجاع‌الملک با اطلاع از ماجرا، بلافاصله به قوای انگلیسی در روستای خوشاب شبیخون زد که آن هم در نتیجه برتری نظامی انگلیس بی‌فایده بود.

پیشروی سریع قشون انگلیس علاوه بر پیروزی در میدان نبرد، دستاورد سیاسی مهمی نیز برای آن کشور داشت؛ سرانجام ناصرالدین شاه، پیشنهاد دولت روسیه و فرانسه را پذیرفت و به معاهده ۴ مارس ۱۸۵۷ تن داد که به امضای فرخ خان نماینده ایران و سر کادلی رسید. معاهده صلح یقیناً پس از پیروزی قاطع



انگلیس در برازجان و قبل از تصرف کامل محمره (خرمشهر کنونی) که از نتایج شکست برازجان بود، منعقد شد.

پس از آن، سرچارلز موری، سفیر انگلیس به تهران بازگشت و بار دیگر سفارت را دایر کرد. فرخ خان نیز سفارت ایران را در فرانسه گشود.<sup>۱</sup>

### متن گزارش نبرد برازجان به روایت مؤلفی ناشناخته:

نصر من الله و فتح قریب<sup>۲</sup> و انّ عون الله نعم الرقیب

بسم الله الرحمن الرحیم

نمایش دعوی برازجان واقعه فی مابین قشون ظفرنمون دولت علیه ایران و دولت انگلیس از جانب دولت علیه به سرداری سرکار جلالت آثار عمده الامرا العظام شجاع الملک سردار ولد سردار و از طرف انگلیس به سرداری اوترم صاحب داستاگر به تاریخ شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۷۳ هجری مطابق سال ۱۸۵۷ مسیحی.

بعد از آنکه قشون دولت انگلیس بندر ابوشهر را متصرف شدند، سرکار جلالت آثار، سردار دولت علیه ایرانیه با قلیل قشونی که ساخلو شهر شیراز بود به جهت نگاهداری مضافات بندر ابوشهر بسمت آنصوب حرکت فرموده، قریه برازجان مضرب خیام عساکر نصرت فرجام گردید و این قشون متوقف برازجان منتظر جمع‌آوری قشون چریک و غیره بودند. سرداران قشون دولت انگلیس پس از آنکه از خیالات سردار دولت علیه و جمع‌آوری قشون مطلع شدند خیالی که به

۱. برای اطلاع بیشتر در این زمینه بنگرید به: مهدوی، ۱۳۷۳: ۲۷۲ / میرنیا، ۱۳۶۷: ۷۸-۷۶ / محبوب فریمانی، ۱۳۸۲: ۵۳-۵۰ / صفائی، [بی تا]: ۱۳۲ / رجیبی، ۱۳۸۴: ۱۵۰-۱۴۱ / صفایی، ۱۳۵۲: ۱۰۶-۱۰۳ / شیببانی صدیق الممالک ۱۳۶۶: ۱۲۲-۱۱۱ / هدایت، ۱۳۶۳: ۸۲-۷۹ / طباطبایی مجد، [بی تا]: ۲۹۱-۲۷۷  
۲. سوره مبارکه صف آیه ۱۳

نظرشان رسید این بود که قبل از اینکه امدادی به این قشون برسد یا جمعیتی فراهم آورند آنها را متفرق کنند زیرا که قاعده و قانون جمیع دول در جنگ این است که پس از آنکه دشمن را ضعیف پنداشتند و احتمال رسیدن امداد رفت البته از دعوا دست نخواهند کشید مثل اینکه در جنگ اگر قشون دشمن به چند جزء قسمت شود اول سعی می‌کنند که جزء ضعیف را شکست دهند به این خیال که قشونی در اضعاف مضاعف قشون دولت علیه بود. از بندر ابوشهر بسمت برازجان حرکت دادند. چون این فقره بر سردار قشون دولت علیه معلوم شد در شب هشتم شهر جمادی‌الثانی جمعیتی برداشته چهار ساعت از شب مذکور گذشته به عزم جلوگیری آنها حرکت کردند. پس از دور شدن یک فرسنگ از برازجان باران شدیدی باریدن گرفت به مرتبه ای که سیل تا کمر جاری شد. تا دو ساعت به صبح مانده حوالی قریه‌ی خوش آب نزدیکی قشون انگلیس رسیده باران هیچ یک از طرفین را فرصت جنگ کردن نداد. لیکن تدارک قشون انگلیس خوب بود و به قورخانه و اسباب آنها به واسطه بارش رطوبتی چندان کارگر نشده بود برخلاف قورخانه و اسباب حرب قشون این طرف به واسطه سنگی بودن تفنگ‌ها و باز بودن قورخانه، به کلی خراب و از کار افتاده بودند و حالت جنگ هم به قشون باقی نمانده بود مصلحت در جنگ ندیده، معاودت به برازجان نمودند. بلافاصله قشون انگلیس نیز روانه گردید خیال سردار قشون دولت علیه این بود که دو ساعت از روز گذشته در حوالی اردوی خود جلوی گلستان جنوبی برازجان که در نقشه کوچک معلوم است مشغول جنگ شوند چون آلات حربیه و قورخانه بواسطه بارش از کار افتاده بودند و با اسباب حرب قشون انگلیسی مقابلی نمی‌توانست کرد

بناء علی هذا مصلحتی شایسته در حرکت دادن قشون بسمت قریه دالکی دیدند و در حقیقت این فقره از چند جهت پسندیده و مناسب و موافق قوانین جنگی آمد زیرا که این قلیل قشون با قورخانهء خراب و تفنگ‌های از کارافتاده البته نمی‌توانستند مقاومت با قشونی که اصعاف مضاعف آنها بود کنند با وجود درستی اسباب حربیه دشمن مگر به واسطه حایل و مانع طبیعی آن هم در برازجان و آن صفحات نبود چنانکه از نقشه کوچک معلوم است. پس مناسب چنان بود که اختیاراً حرکت به مکانی کنند که در وسط راه حایل و مانع طبیعی شایسته باشد که اگر دشمن بخواهد به آن سمت حرکت نماید باستمداد آن موانع طبیعی قلع و قمع دشمن را بکنند. علاوه بر این از صحرای دشتستان که مضافات بندرابوشهر است نیز بیرون نرفته باشند گذشته از این راه‌های داخل مملکت را نیز در دست داشته باشند و به جهت این ملاحظات جایی را بهتر از دالکی به نظر نیاوردند و در واقع بهترین جاها به جهت حرکت دادن قشون آنجا بود. اولاً: به واسطه اینکه قدری معتدبه<sup>۱</sup> از دشمن دور نشده باشند، ثانیاً: به واسطه‌ی اینکه اگر دشمن بخواهد به آن سمت حرکت نماید به استمداد ماهورهای<sup>۲</sup> آنها را قلع و قمع نمایند و دیگر آنکه راه داخلی مملکت در دست قشون این طرف باشد که دشمن نتواند او را مسدود و قشون دولت علیه را محصور سازد، دیگر آنکه هر وقت فرصت شود و مناسب باشد شبیخونی بر دشمن ببرند، علاوه بر این قدری از قشون چریک خود را نیز در نینزک<sup>۳</sup> که سر راه هفت مله<sup>۱</sup> در راه داخلهء مملکت است قرار دادند

۱. معتدبه: صفت عربی قدیمی به معنای: هنگفت، فراوان، بسیار

۲. حروف لاتین علائم نقشه منطقه هستند.

۳. نینزک [نَز] (اخ): دهی است از دهستان سرکره از بخش برازجان شهرستان بوشهر (دهخدا)

به ملاحظاتی که عرض شد و این هم بسیار بجا و بموقع افتاد. پس از اینکه قشون انگلیس وارد برازجان گردید مقصودی که داشت ضد آن را مشاهده نمود در برازجان به جهت پشتبند خود استحکامات بنا کرد و اراده پیش آمدن داشت و در یک دوره توقف قشون انگلیس در برازجان علی‌الاصال پیش قراولان دولت علیه در ماهورهای fx به قراولی مشغول بودند که اگر از حرکت دشمن بسمت دالکی خبری بیابردند قشون دولت علیه از آنجا حرکت کرده آن ماهورها را بر آنها بگیرند و آنها را قلع و قمع کنند. تا شب دوازدهم شهر مذکور سردار قشون دولت علیه جمعیتی برداشته به عزم شبیخون بسمت برازجان حرکت فرمود.

سردار قشون انگلیس نیز چهارصد نفر سوار نظام با یک عراده توپ کوچک پیش فرستاده بود که هر وقت آمدن عساکر نصرت مآثر را مستحضر شوند اردوی خود را اخبار نمایند. به نشانه انداختن توپ بعد از رسیدن قشون دولت علیه به ابتدای ماهور پیش قراولان انگلیس مرحله را فهمیده از سر ماهور توپ انداخته رفتند که به قشون کلی ملحق شوند. پیش قراولان این طرف که چهل پنجاه نفر سوار بودند خبر آوردند سردار قشون دولت علیه با جمعیتی که بود آنها را تعاقب نمود فوراً صدای آتش زدن قورخانه و توپ حرکت بلند شد و آنها بدون درنگ فرارا بسمت ابوشهر روانه شدند. قشون دولت علیه نیز به تعاقب آنها شتافت تا چهار ساعتی شب مذکور در نیم فرسخی برازجان به آنها رسیده تا قریب به صبح البته دوهزار توپ به یکدگر انداختند، انگلیسی‌ها اسباب زیادی ریخته خیلی از ایشان در آن شب کشته شد. اترم صاحب سردار قشون انگلیس از اسب افتاده

۱. هفت مله: روستایی از توابع بخش بوشکان شهرستان دشتستان در استان بوشهر

مدهوش شد به مرتبه‌ای که تا ورود ابوشهر حالت کاری نداشت. استاکرمشغول جنگ و فرمان بود آن شب را تا یک ساعت به صبح مانده مشغول جنگ بودند. بعد از آن قشون انگلیس بسمت بندر ابوشهر حرکت کرد و قشون دولت علیّه نیز به تعاقب آنها می‌رفتند تا اینکه مجدداً در صحرای وسط خوشاب و چاه خانی که در نقشه بزرگ معلوم است تلاقی فریقین واقع شد. قشون دولت انگلیس چون قبل از قشون دولت علیّه به آن مکان رسیده بودند بلندی‌های C را که در نقشه بزرگ پیداست کمک<sup>۱</sup> خود قرار داده به تصرف درآوردند. قشون دولت علیّه با وجود اینکه کمکی از موانع طبیعی نداشتند مراجعت خود را مناسب ندیدند و در واقع چنین بود. زیرا که اگر بی‌نیل مرام مراجعت می‌نمودند، اولاً باعث گمان دشمن در ضعف آنها می‌شد، ثانیاً بدینواسطه جرأتی به جهت دشمن پیدا می‌شد و هر روزه خیال جسارتی تازه می‌نمودند. به این ملاحظات سردار قشون دولت علیّه چنان مصلحت دیدند که هر طور است حسب القوه و الامکان زود زد و خوردی مجدد بشود. قشون خود را به طریقی که در نقشه بزرگ معلوم است مرتب ساختند و قشون انگلیس نیز بطریقی که در نقشه پیداست منظم شدند. پس از آنکه قریب به دو ساعت از طرفین شلیک<sup>۲</sup> توپ و تفنگ رفت قشون دولت علیّه خواستند موضعی مرتفع مناسب را به جهت وضع توپخانه خود به دست بیاورند و هیچ مکانی بهتر از تپه‌ی D در آن مصاف نبود که در واقع کلید این مکان همان تپه بود. سربازان C را که مرکب از شیرازی و عرب و قشقایی بودند

۱. اصل: کومک (همه موارد)

۲. در اصل: شلیک

بسمت پیش حرکت دادند تا به نقطه‌ی F و قشون G نیز با یک گروهان از فوج H به جهت امداد فوج F و پشت‌بند آنها بسمت پیش حرکت کردند تا در مکان I رسیده حکم باز کردن گروهان دادند. چنانکه از نقشه معلوم است. لیکن این قشون پشت‌بند جمعیتی نبودند که بتوانند به طور شایسته کمک افواج F را نمایند. به واسطه کمی جمعیت آنها و توپخانه طرفین علی‌الاصول مشغول آتش‌فشانی بود. پس از آنکه سردار قشون انگلیس ملتفت شد که بیخیالی در نظر است لابداً سوارهای H را با دو عراده توپ بسمت نقطه‌ی L حرکت داد به طریقی که از نقشه معلوم است. افواج F سوارهای L را سه چهار مرتبه عقب نشانیدند و چون قشون این طرف سواره نظام نداشتند و اسباب توپخانه ایشان هم پریشان بود، قشون درستی هم که بتواند موافق قاعده‌ی حمایت افواج F را نماید نبود هر چه می‌خواستند به جانب بالای تپه D حرکت کنند سواره‌های نظام L مانع می‌شدند و آنها را از این حمایت جزیی هم ممنوع می‌نمودند. پس از ساعتی زد و خورد سواره‌های مذکور خواستند قشون پیشرفته را احاطه کنند. در نقاط MMM قرار گرفتند. قشون دولت علیه بعد از آنکه به واسطه نداشتن سواره نظام و کمک شایسته از استحکام تپه مأیوس شدند، حکم در برگشتن قشون پیشرفته دادند با حالت نیزه پیش مراجعت کرده، زد و خورد‌های تمام در میانه رفت و اغلب خسارتی که به عساکر نصرت مآثر دولت علیه رسید از این حمله بود. بعد از حصول یأس از استحکام تپه خواستند حرکتی نمایند که این سوارها را که مانع استظهار انگلیس بود از امداد توپخانه و قشون کل دور کنند. حکم دادند که اندکی قشون دولت علیه پس نشینند تا زیاده مانع جسارت آنها شود و از توپخانه و

امداد به دور بیافتند تا نقطه M پس نشسته و تا آنجا قشون سواره انگلیس را بدین تمهید بردند و به کلی از امداد توپخانه و سرباز خود دور ماند. در این نقطه قشون دولت علیه تبدیل فرونت<sup>۱</sup> کرده حمله، دلیرانه بر قشون دشمن آوردند و جمعیت کثیری از آنها را مقتول و مجروح ساختند. باقیمانده قشون سواره انگلیس چون چنان صدمه را دیدند از همان نقطه مراجعت کرده، از راه (ناخوانا؟) بسمت قشون کل مراجعت نمودند و به همراهی باقی مانده قشون خود با کمال اضطراب بسمت بندر ابوشهر حرکت کردند. در آن وقت چهار ساعت از روز دوازدهم شهر جمادی‌الثانی گذشته بود و باران شدیدی بنا کرد، چون بعضی از اسب‌های توپ و مال‌های قورخانه کشته شده بودند و اسباب توپخانه هم پریشانی داشت و باران هم شدت می‌نمود سردار قشون دولت علیه دیگر مصلحت در تعاقب ندیدند و مراجعت را ترجیح دادند و قشون انگلیس هم با کمال اضطراب و تشویش بتعجیل هرچه تمامتر بسمت ابوشهر حرکت کردند و بمرتب‌های تشویش و اضطراب بر آنها راه یافته بود که با وجودی که از همه جا بلدیت تمام دارند در مشیله و حوالی آن راه گم کرده بودند در نزدیکی خور بگرد(؟) مشرف به غرق شده بودند و تشویش آنها را از این می‌توان دانست که قشون خود را حکم داده بودند که هر کس هرچه دارد بیندازد و در کمال سبکباری بتعجیل هرچه تمام‌تر رفتند. حتی کفش و بالاپوش‌های خود را نیز انداختند و در حقیقت این صدمه که بر انگلیس وارد آمد با وجود این قلیل جمعیت می‌توان گفت که همین باعث شد که دیگر قدم جسارتی از هیچ سمت پیش نگذاشتند بلکه از مسند ابوشهر تا

۱. فرونت: جبهه

حوالی چغاوک که سه فرسخی ابوشهر است نیز نمی‌آمدند و اگر احیاناً صدمه بر ایشان وارد نشده بود هر روزه خیال جسارت تازه می‌کردند و قدم جرأتی پیش می‌گذارند. در این جنگ اگر هر آینه قشون دولت علیه بقدر قشون انگلیس بود یا اینکه اقلأ سوار نظامی بود که می‌توانست با سواره آنها مقاومت کند البته یک نفر از آنان نمی‌توانستند مراجعت به بندر ابوشهر نمایند.

### شایستگی‌های اعمال سردار قشون دولت ایرانیه موافق قوانین جنگی

اولاً بازداشتن دشمن بود از خیالاتی که در نظر داشتند و این فقره عمده است در جنگ که حسب الامکان باید طوری کرد که دشمن را از خیالاتی که در نظر دارد بازدارد. ثانیاً حرکت کردن از برازجان به دالکی به اختیار و این نیز بسیار بجا و به موقع مقتضی افتاد زیرا که اگر دشمن از برازجان قدم پیش می‌گذاشت می‌توانستند با همان قلیل جمعیت و اسباب حرب از کارافتاده به استمداد ماهورهای FX دفع آنها را بکنند و در برازجان حایل و مانع طبیعی نداشتند. علاوه بر این همان حرکت باعث بازداشتن دشمن از خیالات او شد و اگر سوای این شده بود نمی‌توانستند به طور شایسته از عهده دشمن برآیند. ثالثاً حرکت کردن بسمت دالکی خصوصاً و این نیز موافق قوانین نظامی خیلی بجا و به موقع افتاد زیرا که همیشه اوقات باید طوری کرد که راه داخله مملکت در دست قشون باشد و این فقره یکی از اصول جنگ است و اگر سوای دالکی به هر جا می‌رفتند راه داخل مملکت در دست نبود و حتماً دشمن راه مملکت را مسدود و قشون را محصور می‌کرد رابعاً فرستادن جزوی از قشون به جهت محافظت راه هفت مله و



این نیز بسیار بجا و بموقع بود و اگر در محافظت آن راه اهمال رفته بود دور نبود که قشون انگلیس از همان راه خود را به داخل این مملکت بیندازد. خامساً رفتن بر سر قشون دشمن در حالتی که مشغول استحکام سنگر و قلعه برازجان بود و اسلحه مردم برازجان را گرفته خیال پیش آمدن داشت و این هم خیلی بجا واقع شد زیرا که اگر برازجان و سنگر آنجا را به طور شایسته فرصت می‌یافتند که استحکام نمایند استرداد آنجا از ایشان کمال صعوبت را به هم می‌رسانید بر فرض اینکه نمی‌توانستند فتح کنند باز هم همین حرکت آنها باعث تشویش و اضطراب دشمن می‌شد و اقلأً از خیالات استحکام آنجا باز می‌ماندند. چنانکه همین حرکت و صدمه باعث بازداشتن دشمن از خیالات خود گردید. سادساً حرکت نمودن قشون به جهت تصرف تپه D و بیش‌تر همین فقره باعث شد که انگلیس لابد گردید که سواره‌های قشون خود را از قشون کل دور انداخت و دیدند آنچه دیدند و فایده این حرکت وقتی معلوم می‌شد که سواره نظام بود و می‌توانستند مقابلها سواره نظام انگلیس کنند و به خوبی از عهده حمایت افواج F برآیند. سابعاً بعد از آنکه سواران انگلیس خواستند قشون پیشرفته را احاطه کنند حکم برگردانیدن قشون با حالت نیزه پیش بسیار مناسب بود و اگر غیر این می‌شد جمیع آنها تمام می‌شدند و مقصودی که داشتند که سوار دشمن را از نزدیکی توپخانه و سربازان دور کنند به عمل نمی‌آمد. ثامناً دور کردن قشون دشمن از امداد توپخانه و سربازها تمهیدی متین بود چنانکه بعد از آنکه به پس نشستن آن سواره‌ها از محافظت توپخانه و سرباز خود که دور کردند تا در نقطه n که در آن نقطه به کلی از امداد توپخانه دور ماند در آن مکان تبدیل فرونت کرده صدمه به آنها زدند که

کمتری از آنها مجروح و قتل نشدند. تاسعاً اینکه در آن نقطه تبدیل فرونت کردند زیرا که این نقطه جایی است پست که ممر سیلاب است و در آن نقطه اگر توپخانه و سرباز و قشون انگلیس نیز به امداد سواران خود می‌آمدند با وجود قشون دولت علیه نمی‌توانستند این طرف درآیند و لابد در برگشتن بودند و همین باعث شکست آنها می‌شد. در این جنگ به چند سبب احتمال فتح قشون این طرف نمی‌رفت. اولاً به واسطه اینکه محلی که انگلیس پیشتر بدست آورده بود خالی از موانع طبیعی نبود چنانکه در نقشه بزرگ معلوم است. ثانیاً به واسطه‌ی اینکه موضع توپخانه انگلیس مشرف بر محل قشون این طرف بود این نیز در جنگ‌های قدیم تجربه شده است که موضع هر طرف که مرتفع‌تر باشد یا لامحاله فتح با آن طرف است. ثالثاً به واسطه اینکه قشون انگلیس اضعاف مضاعف قشون این طرف بود و همچنین توپخانه و سوار که از این طرف سوای چند نفری غلام سوار نظامی دیگر موجود نبود. رابعاً به واسطه‌ی اینکه آنها سوار داشتند و مأمور به حمله نمودن جانب یسار کردن با وجود این همه احتمالات باز بحمد الله صدمه بر آنها وارد آمد که دیگر هرگز چنین جسارت‌ها نخواهند نمود و در واقع چنین صدمه بر قشون انگلیس کم‌تر وارد شده است و بسیار غریب آمد از انگلیس که سوارهای خود را خواست بر قشون پیشرفته دولت علیه احاطه دهد و چه بجا وارد شد حرکت دادن قشون این طرف بسمت عقب و تبدیل فرونت کردن در نقطه N و حمله نمودن بر دشمن در این مکان که خیلی مفید فایده شد.

در سند "واقعه برازجان" چند نکته قابل تأمل به شرح ذیل به نظر می‌رسد:

۱. جنگ سال ۱۲۷۳ق. میان ایران و انگلیس را بر اساس اسناد موجود، به ویژه گزارش لیوتنان بالارد می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد: نخست برنامه‌ریزی برای انجام عملیات و انتخاب سریع‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه هجوم به ایران و تمهید و تدارک قشون که گزارش بالارد به اندازه کافی گویای آن است. مرحله دوم، پیاده شدن نیروهای انگلیسی در خاک ایران تا حمله به خرمشهر. در این باره هم، گزارش بالارد نسبت به گزارش ایرانی جامع‌تر است: سند ایرانی گزارش را از فتح بوشهر به بعد آغاز کرده و با حرکت قشون انگلیس به سوی خرمشهر پایان می‌دهد.

۲. بنا بر گزارش بالارد، جنگ برازجان شامل این مراحل بود؛ فتح بوشهر، حرکت به سوی برازجان برای نابودی مهمات و آذوقه ذخیره شده در این شهر و روستای چاه‌کوتاه برازجان و اشغال آن شهر، شبیخون شبانه شجاع‌الملک سردار قشون ایران، که برازجان را ترک کرده و به دالکی عقب نشسته بود، به نیروهای انگلیسی و مصدوم شدن ژنرال اوترام فرمانده نیروهای انگلیسی. طبق گزارش، این مرحله از جنگ به روستای چغاوک کشیده شد و سرانجام به برتری قشون انگلیسی انجامید.

در گزارش ایرانی نیز این مراحل با اختلافات جزئی در شکل عملیات، فارغ از ارائه نتیجه تأیید شده است. بنا بر سند حاضر، قوای ایرانی برازجان را به عنوان نقطه کانونی انتخاب کرده بودند. قشون ایرانی، مرکب از عشایر و نیروهای بومی و حکومتی از شیراز حرکت می‌کنند و در این شهر به انتظار نیروهای انگلیسی می‌نشینند، آنگاه برای جلوگیری از هجوم این نیروها پیش‌دستی کرده به سمت آنان حرکت می‌کنند، اما باران شدید که در گزارش بالارد هم به آن اشاره شده

است، مانع درگیری در منطقه خوشاب می‌شود؛ سپس عقب‌نشینی می‌کنند. روز بعد، به سبب فقدان و ناکارآمدی ادوات جنگی ناشی از بارندگی شب گذشته، ترک برازجان به سوی دالکی ادامه می‌یابد.

با عقب‌نشینی نیروهای انگلیسی به سوی بوشهر، نیروهای ایرانی آنها را تعقیب می‌کنند. بعد از نبردی سهمگین، در طول جنگ برازجان به قوای ایرانی خسارت بیشتری وارد شد.

۳. درباره ترکیب قومیتی قشون دو طرف در گزارش بالارد جزئیات بیشتری نسبت به گزارش سند ایرانی آمده است. به هر حال، نویسنده انگلیسی قصد نداشت به دربار گزارش دهد. در ناسخ‌التواریخ به حضور نیروهای بومی در ترکیب قشون حکومتی (سپهر، ۱۳۳۷: ۱۳۷۹) و حتی نقش باقرخان تنگستانی در مقابله با هجوم اولیه انگلیسی‌ها اشاره شده است و چنین آمده است که: «... باقرخان و مردم او استوار بایستادند...» (سپهر، ۱۳۳۷: ۱۳۸۰)

۴. چنانکه ملاحظه شد، در گزارش ایرانی در چند جای گزارش کلمه "چریک" آمده است: «... و این قشون متوقف برازجان منتظر جمع آوری قشون چریک و غیره بودند...» و «... علاوه بر این قدری از قشون چریک خود را در نینزک قرار دادند...». چنین به نظر می‌رسد که نویسنده گزارش ایرانی به دلایلی، از جمله برجسته کردن نقش قشون حکومتی و توجیه تصمیمات شجاع‌الملک مایل نیست که بیش از این به نقش چریک‌ها بپردازد. اشاره مبهم نویسنده این گزارش به «سربازان مرکب از شیرازی عرب و قشقایی» را می‌توان نیروهای بومی و عشایری دانست. این نیروها از بدو ورود مهاجمان به سواحل ایران

در نواحی بوشهر و سواحل به صورت پراکنده مقاومت کردند، اما به گواهی بالارد، آنها بدون تسلیحات پیشرفته نمی‌توانستند کاری از پیش ببرند. برخلاف گزارش ایرانی، بالارد شجاعت ایرانیان به ویژه عشایر قشقایی را به شیوایی توصیف کرده و رشادت آنان را در پاره‌ای موارد ستوده است: «... سربازی [انگلیسی] ... جوانی را که حدود شانزده سال داشت از محل اختفایش بیرون کشید و او را در حین فرار هدف گلوله قرار داد. او [جوان] در حال نزاع خود را روی یک دست بلند کرد و انتقام خود را ... گرفت...» (بالارد، ۱۳۶۶: ۳۰۱)، یا «... باقرخان و مردم او استوار بایستادند و از هنگام برزیدن آفتاب تا نیمه روز نیران حرب مشتعل بود و زمین جنگ چنان تنگ افتاد که ایرانیان با شمشیر به روی انگریزان در آمدند و جمعی را با تیغ بگذرانیدند...» (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۳۸۰)

۵. نویسنده ایرانی، بی‌مقدمه و بدون اشاره به دلایل تصرف اشغال بوشهر، گزارش را با تدابیر شجاع‌الملک در حرکت از شیراز به سوی برازجان آغاز کرده و اهمیت حضور در برازجان را در جلوگیری از نفوذ قوای مهاجم و دسترسی آنها به راه‌های داخلی کشور آورده است؛ حال آنکه قوای انگلیسی قصد هجوم به خرمشهر را داشتند و غرض از حرکت آنها به سوی چاهکوتاه و برازجان، برای از بین بردن تسلیحات و انبار آذوقه بود.

نکته جالب توجه در این بخش این است که نویسنده ایرانی به از دست دادن این مقدار آذوقه و تسلیحات پر اهمیت در بحبوحه جنگ اعتناء نکرده و باز هم از کنار دلایل اردوی دو روزه قشون انگلیسی در برازجان گذشته است.

۶. در مجموع، جز در نبرد برازجان و به تبع آن خوشاب، نیروهای ایرانی مقاومت چندانی نکردند، چندان که گویی قوای ایرانی قصد مقاومت جدی نداشته‌اند و این امر از سر رضا و تسلیم و صلح‌طلبی هیأت حاکمه نبود، زیرا حمله ایران به هرات آگاهانه بود و واکنش دولت انگلیس را نیز می‌شد حدس زد. به اشاره بالارد، دریابگی بوشهر از رفت و آمدهای مشکوک آگاهی داشته و حکومت مرکزی را اگر چه با اندکی تأخیر به سبب فقدان وسایل ارتباطی، در جریان اخبار قرار می‌داده است.

۷. در گزارش بالارد جمله‌ای قابل تأمل هست: «... ژنرال صبح بیست و چهارم دسامبر تمام سواره نظام ... را به چاه‌کوتاه اعزام داشت، همچنان که به سوی شهر نزدیک می‌شدند هیچ‌گونه نشانی حاکی از خصومت رئیس آن [آبادی] مشاهده نگردید. سکنه چاه‌کوتاه و اکثر روستاهای اطراف بوشهر، برحسب سنت و زبان عرب بود و الفت چندانی با حکام ایرانی یا رهایی همقطار ایرانی خود ندارند...» (بالارد، ۱۳۶۶: ۳۰۲). این مطلب گواهی است بر سرخوردگی طوایف عرب از حکومت مرکزی، و اینکه انگیزه کافی برای مقاومت جدی در برابر مهاجمان نداشته‌اند.

۸. در گزارش ایرانی، همه همّت نویسنده بر توجیه صحت استراتژی جنگی قشون ایران بوده است. نقشه‌های بزرگ و کوچک ضمیمه این گزارش نیز مؤید این نظر است. نویسنده حتی عوامل ضعف قشون ایران و برتری قشون انگلیسی را از طریق نشانه‌هایی به میزان بهره‌گیری از تپه ماهورها و نوع استفاده از این موانع طبیعی مرتبط می‌کند و چشم بر دیگر عوامل می‌بندد، مانند تصمیم‌های خطای سردار قشون ایران که در مواردی حتی به اختلاف با سردار نیروهای ایلاتی نیز

منجر شد و بالارد از این موضوع آگاه بود: «...شجاع الملک از تاکتیک نظامی تصور خاصی داشت. وی پیاده نظام خود را که از لحاظ نیروی کمی مشابه انگلیسی‌ها بود، در دو جناح، هر یک مرکب از سه گردان، آرایش داده بود، بین این دو جناح (بدون هیچ دلیل مشهودی، زیرا زمین کاملاً هموار بود) بیشتر از نیم مایل فاصله بود ...» (همان: ۳۱۱). با این همه، بالارد نیروهای ایلاتی را ستایش کرده است: «سواره نظام به رهبری ایلخانی در فاصله موقرانهای بیش از یک مایل ... منتظر بودند قبل از آنکه خود را در عرصه نبرد درگیر سازند مشاهده کنند که روزگار بر چه منوال خواهد گردید ...» (همان: ۳۱۲). او در چند فقره دیگر نیز، آرایش نیروهای بومی ایلاتی را منسجم‌تر و موفق‌تر ارزیابی کرده است؛ نکته‌ای که به نظر می‌رسد نویسنده ایرانی عامدانه از کنار آن گذشته است.

۹. در بیان دلایل شکست قشون ایران، در هر دو گزارش مواردی آمده است، برخی مشترک و برخی متأثر از نگاه خصمانه نسبت به یکدیگر. نوع و میزان ادوات و تجهیزات جنگی شاید مهم‌ترین عامل برتری قشون انگلیس بود و هر دو گزارش آن را تأیید کرده‌اند، اما باید عامل مهم دیگری را نیز در نظر گرفت: انضباط و آرایش نیرو که فقط از ذهن خلاق سپاهیان تعلیم دیده برمی‌آید. بالارد عامل دوم را نیز در نظر گرفته و در برابر، نویسنده ایرانی عامل برتری نفرات را ذکر کرده است. چنانکه ملاحظه شد، تعبیر او در باره نظرات دشمن نیروهای انگلیسی "اضعاف مضاعف" است، اما بالارد در آغاز گزارش خود، آماری از ادوات و نفرات به دست داده است: شمار سربازان جنگاور که بمبئی را به سوی سواحل ایران ترک کردند، ۵۶۷۰ نفر شامل ۲۲۷۰ نفر اروپایی و ۳۵۷۰ نفر غیراروپایی

بود و بنا بر همین گزارش، شمار نیروهای شجاع‌الملک و ایلاتی حدود ۶۰۰۰ نفر بود و از میان آنها، ۸۰۰ نفر سواره نظام شمرده می‌شدند. ممکن است که گزارش بالارد در فقره دوم، آمار قشون ایران اغراق‌آمیز باشد، اما از دلایل حضور شجاع‌الملک در شیراز که مقصودی جز جمع‌آوری نیروهای ایلاتی نبود و عدم اشاره گزارشگر ایرانی به آمار، نمی‌توان چشم‌پوشی کرد.

۱۰. در زمینه سیاسی نیز، شکست قشون ایران در برازجان و خوشاب نتایجی داشت. نویسنده ایرانی اشاره کرده است که غرض از حضور در دالکی در اطراف برازجان این است که «راه داخلی مملکت در دست قشون این طرف باشد که دشمن نتواند او را مسدود و قشون دولت علیه را محصور سازد...»، اما این امر محقق نشد و قوای انگلیسی با روحیه‌ای مضاعف به سوی خرمشهر حرکت کردند و این شهر در آستانه اشغال، با دستور شاه قاجار مبنی بر امضای قرارداد صلح پاریس نجات یافت.

۱۱. جنگ برازجان واقعیت‌های دیگری را هم نمایان کرد: سستی در مقابل قوای بیگانه، فقدان ارتباط کارآمد اداری و نظامی میان حکومت مرکزی و مناطق جنوبی و از همه مهمتر ناکارآمدی قشون نظامی ایران در مقابل قوای پیشرفته و تعلیم‌دیده انگلیسی، که به سرعت توانستند راه مناطق مرکزی ایران را در پیش گیرند. این شکست، هیأت حاکمه ایران را به قرارداد صلح پاریس متعهد کرد.

## نتیجه



در بررسی سند واقعه برازجان و مقایسه آن با گزارش انگلیسی برجای مانده از این جنگ، در مقام نتیجه‌گیری می‌توان به زمینه‌های شکل‌گیری عهدنامه پاریس پی برد. فقدان ساختار منسجم به ویژه در حوزه امور نظامی و نیز فقدان نظم و انضباط و ارتش تعلیم دیده و تسلیحات مدرن، بی‌میلی طوایف محلی و سستی در مقابل تهاجم نیروهای انگلیسی، بی‌توجهی به نتایج و تصمیمات سیاسی در روابط خارجی و عدم بررسی و آماده‌سازی بابت پیامدهای احتمالی آن، موجب شد تا در سال ۱۲۷۳ق. / ۱۸۵۷م. انگلستان، با پیروزی در جنوب ایران که نقطه عطف آن جنگ برازجان بود، برای همیشه از بابت هرات آسوده خاطر شود.

## منابع و مأخذ

- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره، ۱۳۸۰، *انفصال هرات: مجموعه مقاله، گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران (۱۲۸۰-۱۲۰۰ هـ ق)*، تهران: کتاب سیامک.
- آوری، پیترو و دیگران، ۱۳۸۴، *تاریخ ایران کمبریج (زند، افشار و قاجار)*، چاپ سوم، ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.
- بالارد، لیوتنان، ۱۳۶۶، *"جنگ ایران و انگلیس"*، ترجمه: کوه بیات، فرهنگ ایران زمین، شماره ۲۷، ۲۸۸-۳۲۴ دهقان نژاد، مرتضی و زینب جلالیان، زمستان ۱۳۸۷، *"انگلستان و معاهده استعماری پاریس"*، نشریه: تاریخ روابط خارجی، شماره ۳۷، صص ۷۸-۹۵
- سایکس، پرسی مولزورث، ۱۳۸۹، *تاریخ ایران*، جلد دوم، ترجمه: محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه
- شیبانی (صدیق الممالک)، میزا ابراهیم، ۱۳۶۶، *منتخب التواریخ*، تهران: انتشارات علمی.
- صفایی، ابراهیم، ۱۳۵۳، *آئینه تاریخ*، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- طباطبایی مجد، غلامرضا، ۱۳۷۳، *معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- فلور، ویلم، ۱۳۸۸، *برازجان*، ترجمه: دکتر عبدالرسول خیر اندیش، تهران: آبادبوم.
- قائم مقامی، جهانگیر، ۱۳۵۰، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، تهران: انجمن آثار ملی.
- قدیانی، عباس، ۱۳۸۴، *تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در دوره قاجاریه*، تهران: فرهنگ مکتوب.
- کاظم زاده، فیروز، ۱۳۷۱، *روس و انگلیس در ایران (۱۸۶۴-۱۹۱۴ م)*، پژوهشی درباره امپریالیسم، چاپ دوم، ترجمه: دکتر منوچهر امیری، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی خان، ۱۳۳۷، *ناسخ التواریخ*، جلد سوم، به اهتمام: جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- مارکام، کلمنت، ۱۳۶۴، *تاریخ ایران در دوره قاجار*، ترجمه: میرزا رحیم فرزانه، به اهتمام: ایرج افشار، تهران: نشر فرهنگ ایران.
- محمود، محمود، [بی تا]، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی*، تهران: اقبال.
- مشایخی، عبدالکریم، ۱۳۸۶، *زندگی و مبارزات محمد باقر تنگستانی*، بوشهر: بنیاد ایرانشناسی شعبه استان بوشهر.

مجهول المؤلف، [بی تا]، نسخه خطی نمایش دعوی برازجان واقعه فیما بین قشون ظفر نمون دولت علیه ایران و دولت انگلیس (شکرکشی به ایران ۱۲۷۳ هـ ق. = ۱۸۵۷ م.)، قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، شماره ۱۲۹۸۲.

ورهرام، غلامرضا، ۱۳۶۹، تاریخ سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران در عصر قاجار، چاپ دوم، تهران: معین ولایتی، علی اکبر، ۱۳۷۲، تاریخ روابط خارجی ایران در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۶۴، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر.





